

## دولت قوام و انتخابات دوره پانزدهم یزد

هادی حکیمیان

مقدمه:

احمد قوام در ۷ بهمن ۱۳۲۴ بار دیگر و در حالی به نخست وزیری رسید که کشور در اشغال نیروهای متفقین بود و مهم تر اینکه آذربایجان شرایط بغرنجی داشت. از همان ابتدای کار برای قوام روشن بود که برای حفظ کابینه از خطر سقوط و نیز فائق آمدن بر مشکلات پیش رو باید مجلس دوره ۱۵ را هماهنگ و همراه با سیاست های خود تشکیل دهد. آنچه نتیجه انتخابات یزد را برای وی مهم جلوه گر می ساخت، نقش وکلای یزد و تاثیرگذاری ایشان در تعیین سیاست ها و جهت گیری کلی مجلس بود. چرا که سه وکیل پرنفوذ یزد یعنی سید ضیاء، دکتر هادی طاهری و سید کاظم جلیلی هر یک به تنهایی دسته ای از نمایندگان مجلس را تحت امر خود داشتند. سید ضیاء الدین طباطبایی که با حمایت مستقیم انگلیس به عنوان وکیل یزد

راهی مجلس ۱۴ شده بود به پشتوانه حزب اراده ملی و هوادارانش می توانست در مجلس بعدی مانع بزرگی در راه تحقق سیاست های دولت قوام باشد، به علاوه سید ضیاء و احمد قوام از یکدیگر خاطرات چندان خوشی نداشتند. گفتنی است پس از کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ ش سید ضیاء بلافاصله دستور عزل و دستگیری احمد قوام حاکم وقت خراسان را صادر کرد، دیگر آنکه پس از سقوط کابینه سیاه در ۴ خرداد ۱۳۰۰ ش این احمد قوام بود که در زندان عشرت آباد حکم نخست وزیری را از احمد شاه قاجار دریافت کرده و جانشین سید ضیاء شد. همین خرده حساب های شخصی بین این دو نفر بود که در صورت حضور سید ضیاء در مجلس ۱۵ جدالی سخت را بین آنها ناگزیر می ساخت. دیگر



احمد قوام

وکیل یزد یعنی دکتر هادی طاهری عمده‌ترین حامی سیاست‌های انگلستان و تعزیه‌گردان اصلی مجلس بود. حسن ارسنجانی که خود شاهد یکی از جلسات مجلس ۱۴ بوده می‌گوید: «لایحه‌ای به تقاضای دولت مطرح شده بود، هنگام رای رسید. عده‌ای از وکلا به مخالفت نشستند و یا به موافقت قیام کردند، ولی اکثراً از گوشه و کنار مجلس سر کشیدند و متوجه دکتر طاهری شدند. دکتر طاهری قدری مکث کرد و بعد با گوشه چشم اشاره‌ای و برخاست، ناگهان تمام وکلای آلت فعل برخاستند.» (نورالدین ارسنجانی، ۱۳۷۹، ص ۲۷۵). سومین وکیل یزد سید کاظم جلیلی بود که به علت سال‌ها حضور مستمر در مجلس و کارگردانی جریان‌های سیاسی از دوستانش لقب مرشد گرفته بود. جلیلی با اینکه هیچ‌گاه در مجادلات و نطق‌ها وارد نمی‌شد، اما عملاً نبض مجلس را در دست داشت و منزل وی واقع در خیابان باغ سپهسالار همواره محل شب نشینی‌های رجال سیاسی برای تعاملات پشت پرده و کابینه‌سازی بود.

### حذف وکلای یزد از عرصه رقابت‌ها

روز ۲۱ اسفند ۱۳۲۴ مجلس دوره ۱۴ به پایان رسید و روز ۲۹ اسفند بود که سادچیکف سفیر کبیر شوروی برای حل اختلافات ایران و شوروی وارد تهران شد. روز پنج‌شنبه اول فروردین ماه ۱۳۲۵ سید ضیاء مطرح‌ترین عامل بریتانیا به دستور احمد قوام و توسط شهربانی تهران بازداشت شد. قوام با این پیش‌زمینه و جلب نظر روس‌ها به مذاکره و چانه‌زنی با سفیر آنها پرداخت که از قضا موفق شد به نتایج خوبی از جمله گرفتن وعده روس‌ها برای تخلیه ایران دست یابد (غلامحسین میرزا صالح، ۱۳۶۹، ص ۱۰۷). در روز ۲۷ مرداد ۱۳۲۵ دکتر هادی طاهری یکی دیگر از ایادی مارکدار انگلیس که لقب چرچیل ایران را یدک می‌کشید، به دستور قوام و طبق ماده ۵ حکومت نظامی توقیف شد. در محافل سیاسی آن روز شایع بود که احمد قوام گفته است: «دکتر طاهری اگر آزاد باشد ظرف ۲۴ ساعت می‌تواند کابینه مرا معلق کند.» (نصراالله شیفته، ۱۳۳۱، ص ۱۵۵) از سویی خانه سید کاظم جلیلی که محل رفت و آمد رجال سیاسی بود به شدت توسط ماموران مخفی شهربانی تحت نظر گرفته شد.

### مبارزات انتخاباتی در یزد

آنچه برحساسیت و التهاب فضای انتخاباتی یزد می‌افزود، سابقه کینه و دشمنی موجود بین احمد قوام و اسماعیل خان بهادر فرماندار وقت یزد بود. لازم به توضیح است ماژور اسماعیل خان بهادر سال ۱۲۹۹ ش معاونت کلنل محمد تقی خان پسیان فرمانده ژاندارمری خراسان را بر عهده داشت و همو بود که بعد از کودتای سید ضیاء به دستور او در روز ۱۳ فروردین ۱۳۰۰ ش احمد قوام را بازداشت و کلیه اموالش را به نفع دولت وقت ضبط کرد (پرویز لوشانی، ۱۳۴۷، ص ۹۳ تا ۹۴).

به علاوه بهادر در قیام پسیان که خردادماه ۱۳۰۰ ش و با آغاز صدارت قوام صورت گرفت حضور داشت و حتی پس از شهادت پسیان در مهرماه همان سال تنها کسی که به او وفادار ماند بهادر بود. ماژور اسماعیل خان بهادر در ۱۶ مهرماه ۱۳۰۰ بر سر مزار کلنل نطق شدیدالحنی ایراد کرد و احمد قوام را به باد فحش



سید ضیاءالدین طباطبائی و ابراهیم حکیمی

و ناسزا گرفت. نامبرده همچنین تا مدتی بعد با نیروهای دولتی و فرستادگان قوام در مشهد و دیگر نقاط خراسان درگیر بود (همان، ص ۱۶۸ تا ۱۶۹).

به هنگام تشکیل حزب دموکرات ایران در تیرماه ۱۳۲۵ سیدعلی اکبر موسوی زاده و سیدابوالحسن حایری زاده دو تن از رجال سیاسی کهنه کار یزدی عضو هیئت موسس و سپس کمیته مرکزی این حزب بودند، علاوه بر این دو نفر، یک یزدی دیگر یعنی احمد

آرامش هم در راس دستگاه تبلیغاتی حزب بود. موسوی زاده و حایری زاده که از اواخر دوره قاجار در راس گروه موسوم به جمعیت آزادی خواهان یزد و در رقابت شدید با جناح موسوم به مرتجعین به رهبری دکتر طاهری، جلیلی و سید ضیاء بودند، اینک با نزدیک شدن به احمد قوام سعی در مغلوب کردن رقبای قدیمی خود داشتند. در ۱۴ مهرماه ۱۳۲۵ فرمان برگزاری انتخابات دوره ۱۵ توسط شاه صادر شد که با توجه به خارج شدن کاندیداهای اصلی گروه مرتجعین از دور رقابت ها و طبق زد و بندهای پشت پرده بنا شد تا حایری زاده، موسوی زاده، احمد آرامش و محمد حسین نواب به عنوان کاندیداهای حزب دموکرات در یزد معرفی شوند اما پس از ترمیم کابینه قوام در ۲۷ مهرماه موسوی زاده به وزارت دادگستری منصوب شد و به همین جهت وی سهم خود را در ازای دومیلیون ریال به محمد هراتی تاجر و کارخانه دار جوان یزدی واگذار کرد (محمدحسن میرحسینی، ۱۳۸۳، ص ۵۱).

هواداران گروه موسوم به مرتجعین که عمدتاً از تیپ های تاجر، بازرگان و مالکان بزرگ بودند با به خطر افتادن منافعشان به تکاپو برخاسته، با فرستادن نامه و تلگراف و واسطه‌گری برخی رجال سیاسی سعی در کسب موافقت قوام برای آزادی دکتر طاهری و سیدضیاء داشتند. در نیمه آبان عباس استادان صدر کمیته ولایتی حزب توده در یزد به عنوان کاندیدای مجلس ۱۵ از طرف کمیته مرکزی این حزب انتخاب و معرفی شد (روزنامه رهبر، شماره ۸۵۹، ص ۱).

در اوایل آذرماه دکتر طاهری از زندان آزاد شد، اما با توجه به برتری مطلق هواداران قوام در عرصه سیاسی کشور ترجیح داد همچون سید کاظم جلیلی سکوت پیشه کرده و از رقابت ها کناره گیری کند. با توجه به اینکه حزب دموکرات ایران شعبه یزد عملاً فعالیت‌های انتخاباتی را شروع کرده بود، گروه مرتجعین هم به ناگزیر وارد عمل شد. چنانکه سید جلیل جلیلی به جای برادرش سید کاظم، رضا صراف زاده به جای سید ضیاء و محمد گلشن هم که زمانی زیر علم آزادی خواهان سینه زده بود اینک تغییر موضع داده و به جای دکتر طاهری کاندیدا شد (آرشیو سازمان اسناد ملی یزد، نامه شماره ۲۰۳).

از سویی موسوی زاده با این ترفند که حایری زاده قابل اطمینان نیست و تا آخر با کسی نمی ماند، ذهنیت



عبدالرحمن فرامرزی و عباس مسعودی

قوام را نسبت به او خراب کرده و پسرعموی خود سید عباس فاضلی را به جای حایری زاده وارد صحنه کرد. (میرحسینی، ۱۳۸۳، ص ۵۲) برای برگزاری انتخابات یزد به نفع دولت قوام ناگزیر فرماندار باید عوض می شد پس در اوایل آذرماه اسماعیل خان بهادر که چند ماه قبل از آغاز صدارت قوام به یزد آمده بود برکنار و کاظم مدبرالسلطنه نوری به جای او منصوب شد (روزنامه رهبر یزد، شماره ۱۷، ص ۱).

در ۲۱ آذر احمد آرامش به عنوان وزیر کار و تبلیغات وارد کابینه قوام شد و بدین ترتیب او هم از رسیدن به کرسی وکالت منصرف شد. انتصاب موسوی زاده به عنوان مسؤول مستقیم برگزاری انتخابات باعث پشتگرمی بیشتر کاندیداهای حزب دموکرات در یزد شد. از سویی مدبر نوری فرماندار جدید دست به تغییرات گسترده

زده و تمامی پست ها اعم از ریاست ادارات، بخشداری ها و ... را به عوامل حزب دموکرات واگذاشت. پس گروه مرتجعین که خود را متضرر می دیدند، در صدد اعتراض برآمدند، اما از فرماندار پاسخ شنیدند که «من آمده ام تا انتخابات را آن طور که مورد نظر دولت است برگزار نمایم و هر کس با کاندیداهای دولت مخالف باشد محکوم به توقیف و تبعید خواهد بود» (مهدی طاهری، ۱۳۲۶، ص ۷).

در اوایل دی ماه محمد عبدالله گرجی از سوی داوود پیرنیا معاون نخست وزیر به عنوان بازرس انتخاباتی به یزد اعزام شد. در اولین شب ورود گرجی به یزد عده ای از افراد جناح مرتجعین به سردستگی صراف زاده به محل اقامت وی در منزل خان ملک یزدی رفته و شرحی از اقدامات غیرقانونی فرماندار را به او ارائه نمودند. از سویی در روز بعد فرماندار گرجی را به حمایت از کاندیداهای دولتی فرخوانده و از تماس با معترضان برحذر داشت، اوج گیری تشنج و دو دستگی در فضای حاکم بر شهر باعث شد تا گرجی بدون صدور فرمان برگزاری انتخابات یزد را ترک کرده و روانه تهران شود (رسولی پور، ۱۳۸۱، ص ۳۳۸ تا ۳۳۹).

ساعت ۴ بعد از ظهر روز شنبه ۱۴ دی ماه ۱۳۲۵ فرمانداری ۳۶ نفر از اهالی را برای تعیین انجمن نظارت بر انتخابات دعوت کرد. دعوت شدگان این دوره برخلاف دوره های قبل بودند، چرا که نه تنها هیچ یک از عناصر باند مرتجعین دعوت نشده بودند بلکه بعضاً کسانی از طبقه متوسط و حتی برخی افراد گمنام هم در بین آنها دیده می شد (دفتر صورت مجلس انتخابات دوره پانزدهم تقنینیه در شهرستان یزد، ص ۱).

همین مساله باعث بالا گرفتن اعتراضات گروه مرتجعین شد چرا که ایشان سال ها بود به پشتوانه وکلای منسوب به خود کنترل ادارات دولتی را در دست داشتند، اما اینک کسانی گوی سبقت را از آنها می ربودند که به زعم ایشان اصلاً جزء طبقات ۶ گانه به حساب نمی آمدند. علی رغم همه مخالفت ها جلسه فرمانداری تشکیل شد و بدون حضور بازرس انتخاباتی اعضای اصلی و علی البدل انجمن نظارت که همگی

جزء هواداران حزب دموکرات بودند انتخاب شدند (روزنامه دادار، شماره ۱۳، ص ۳). روز یکشنبه ۱۵ دی ماه مصادف با روز افتتاح و شروع به کار انجمن نظارت بود، به همین دلیل هم مرتجعین با حمایت عده ای از هواداران خود در سطح شهر دست به تظاهرات زده و برای تحصن به سمت تلگرافخانه رفتند، اما در میانه راه نیروهای ژاندارمری به دستور سرگرد ژیان جمعیت تظاهر کننده را که توسط عده ای از اعیان و اشراف، تجار و ملاکین هدایت می شد، مورد ضرب و شتم قرار داده و ایشان را متفرق نمودند (جلال گلشن، ۱۳۸۴، ص ۲۹۹). همزمان نیروهای شهرداری، دفتر حزب بیدار متعلق به خانواده جلیلی را پلمب کردند. صبح روز بعد شیخ محمود ریسمانی، سید ابوالقاسم روهنی، شیخ مهدی طاهری، سید غفور غفوری و علی پهلوان پور، پنج تن از سران مرتجعین توسط شهرداری از شهر تبعید شدند و اعلام شد که تا پایان انتخابات حق بازگشت به یزد را ندارند (مهدی طاهری، ۱۳۲۶، ص ۲).

در روز ۱۶ دی ماه علی جناب زاده به عنوان دومین بازرس انتخاباتی وارد شهر شده و با سفارشات اکید موسوی زاده دستور برگزاری انتخابات را صادر کرد. (رسولی پور، ۱۳۸۱، ص ۳۴۰)، از روز ۱۷ دی ماه از ساعت ۵ عصر به بعد رفت و آمد در شهر ممنوع شد و درب منزل اکثر سران گروه مرتجعین پاسبان و ژاندارم گذارده و حتی از برگزاری مهمانی های خصوصی، جلسات هفتگی روضه و رفتن آنها به بازار ممانعت گردید (مشروح مذاکرات مجلس، سال سوم، شماره ۷۹۸، ص ۲۲۸۴).

مجموعه این حوادث باعث خوار و خفیف شدن سران دسته مرتجعین شد و از همین روی برخی همچون محمد گلشن، صراف زاده و حسین کوراعلی عازم تهران شدند تا با وساطت برخی رجال سیاسی مانع برگزاری انتخابات شوند. در ۲۰ دی ماه کمیته مرکزی حزب توده ایران با صدور بیانیه ای ضمن طرح پاره ای انتقادات به دولت قوام مبنی بر سلب آزادی احزاب و گروه ها، انتخابات را تحریم کرد (جامی، ۱۳۷۷، ص ۴۵۱).

به تبع آن کمیته ولایتی حزب توده در یزد هم از رقابت ها کنار کشید و حزب دموکرات یکه تاز میدان گشت و در روز ۲۵ دی ماه بود که انتخابات آغاز شد. همزمان اتحادیه یزدی های مقیم تهران که توسط عده ای از جوانان تحصیل کرده منتسب به گروه مرتجعین هدایت می شد، به تکاپو افتاد. دکتر احمد پژوهی و سید جواد سعیدی سردبیر روزنامه انسان آزاد از طرف اتحادیه مزبور و با وساطت میرزا تقی خان مشیری و برادر زاده قوام در روز ۲۷ دی ماه به دیدار نخست وزیر رفتند. این دو در این دیدار ضمن شرح وقایع یزد و عملکرد فرماندار، سرانجام قوام را مجاب کردند که این نحوه برگزاری انتخابات لطمه جبران ناپذیری به وجهه دولت و حزب دموکرات خواهد زد، پس نخست وزیر در همان جلسه تلفنی به احمد فریدونی کفیل وزارت کشور دستور داد تا شخصاً تلگرافی به یزد مخابره و از فرماندار بخواهد که بدون تعیین جانشین برای خود سریعاً روانه تهران شود؛ چرا که دو روز بود انتخابات آغاز شده بود و چون طبق قانون تنها در صورت حضور فرماندار یا جانشین او انتخابات انجام می شد این تنها راه برای توقف جریان انتخابات بود. با رسیدن این خبر به دفتر اتحادیه یزدی ها واقع در میدان بهارستان، صراف زاده خوشحال و سراسیمه روانه تلگراف خانه شد تا خبر تعلیق انتخابات را به دارو دسته خود در یزد بدهد اما از قضا سواد تلگراف وی به دست عوامل موسوی زاده افتاده و نامبرده سریعاً تلگراف مزبور را نزد قوام برده و او را قانع کرد که دکتر طاهری،

سید ضیاء و جلیلی گرداننده اصلی این بازی هستند و اتحادیه یزدی ها هم یکی از ابزارهای آنها می باشد. پس به دستور قوام و درست سه ساعت بعد از تلگراف اول، تلگراف دیگری مبنی بر ادامه روند انتخابات به یزد مخابره شد (میرحسینی، ۱۳۸۳، ص ۵۴ تا ۵۵).

در این حین سرهنگ امیر پرویزی فرمانده هنگ اصفهان و یزد با نیروهای خود وارد یزد شده و جهت برگزاری انتخابات در خدمت فرمانداری قرار گرفت. (مشروح مذاکرات مجلس، پیشین) در نهایت انتخابات که با دادن تعرفه از روز چهارشنبه ۲۵ دی ماه آغاز شده بود در ۲۹ دی ماه به پایان رسید و در نتیجه شمارش آراء از ۳۰۶۶۸ رای مآخوذه، سید عباس فاضلی با ۲۹۲۵۷ رای، محمد حسین نواب با ۲۸۸۹۷ رای و محمد هراتی با ۲۷۲۸۳ رای به نمایندگی مجلس انتخاب شدند (دفتر صورت مجلس انتخابات دوره پانزدهم تقنینیه در شهرستان یزد، ص ۱۱).

این انتخابات با اعمال نفوذ مستقیم فرمانداری، بخشداری ها، ادارات دولتی و سرانجام شعب متعدد حزب دموکرات در یزد، به مدد و پشتوانه نیروهای نظامی به نفع دولت قوام برگزار شد. در حالی که موسوی زاده و احمد آرامش با توجه به نفوذ سیاسی شان گرداننده اصلی ماجرا بودند. تقلب در این انتخابات برهمگان آشکار بود به گونه ای که جمع کثیری از عوامل حزب دموکرات چندین بار تعرفه گرفته و رای دادند، کارگران کارخانه های هراتی، اقبال و درخشان به عنوان پیاده نظام محمد هراتی به صحنه آورده شدند و علاوه بر جمع آوری رای در زد و خورد های قبل و بعد انتخابات میان دو گروه رقیب نقش مهمی داشتند، با توجه به نفوذ محمد حسین نواب در پشتکوه و بیلاقات از رعایای این مناطق کمال بهره برداری صورت گرفت و سرانجام شناسنامه های افراد متوفی و حتی زنان و کودکان که فاقد حق رای بودند، مورد استفاده قرار گرفته و آراء فراوانی از روی لیست دفاتر توزیع قند و شکر به صندوق ها ریخته شد (روزنامه کشور، شماره ۲۱، ص ۱ تا ۳).

هراتی مبلغ کلانی را به صندوق حزب دموکرات مساعدت کرد و در حقیقت کرسی و کالت را از قوام خرید. آن زمان شایع بود که دولت قوام سه‌میه ۲۰۰ تن قند و شکر با نرخ دولتی را به موسوی زاده داده و او با فروش آنها در بازار سیاه، چهارمیلیون ریال سود حاصله را خرج انتخابات کرده است (لوشانی، ۱۳۴۷، ص ۱۶۶ تا ۱۶۷).

آنچه که در این انتخابات رخ داد و تحت عنوان تقلب توسط گروه مرتجعین مطرح می شد چیزی به غیر از روند طبیعی انتخابات های سابق نبود منتهی چون این بار دسته ای دیگر که از قضا عمده تکیه شان روی طبقه متوسط و جامعه شهری بود ابتکار عمل را از ایشان گرفته بود زبان به اعتراض گشوده و به سبب به خطر افتادن منافعی علم مخالفت برداشته بودند. شکست گروه مرتجعین تحت تاثیر سیاست کلی دولت قوام مبنی بر پشت کردن به اعیان و اشراف، ملاکین بزرگ و کلیه حامیان سیاست های بریتانیا بود، در این میان چرخش قوام به سمت امریکا به نفع برخی کارخانه دارها و ثروتمندان نوظهور و طبقه متوسط و جامعه شهری تمام شد.

## بازتاب انتخابات یزد در پایتخت

گروه مرتجعین که با این شکست حیثیت خود را بر باد رفته می دیدند، سراسر بهار و تابستان سال ۱۳۲۶ را به مبارزه و جوسازی علیه برندگان انتخابات یزد پرداختند. ایشان با دستیابی به سواد تلگراف‌های رد و بدل شده بین موسوی زاده و احمد آرامش با کاندیداهای حزب دموکرات در یزد و برخی اسناد مبنی بر فساد مالی ایشان دعوی خود را به عرصه مطبوعات کشانده و در این میان از عداوت میان برخی روزنامه نگاران با قوام به ویژه شخص محمد مسعود برای حمله به دولت و حزب دموکرات بسیار بهره بردند. به علاوه نامه ها و تلگراف های فراوانی به رجال و شخصیت ها از جمله شاه و آیت الله بروجردی فرستاده و خواستار رسیدگی به پرونده انتخابات یزد شدند. گروه رقیب هم بی کار ننشسته و با حمایت برخی روزنامه ها در صدد مقابله برآمد. در آبان ۱۳۲۶ این درگیری ها به اوج خود رسید. چنانکه محمد هراتی جمعی از کارگران کارخانه های هراتی و درخشان را با کامیون از یزد به تهران آورد تا در درگیری هایی که در جلوی میدان بهارستان میان هواداران دو گروه در می گرفت وارد عمل شوند. گروه مرتجعین به سبب سابقه محمد حسین نواب در ادوار مختلف مجلس چندان نمی توانست علیه وی جبهه گیری کند. پس ایشان تمام هم و غم خود را برای جلوگیری از تصویب اعتبارنامه فاضلی و هراتی گذاشتند. در جلسات شبانه منزل سید کاظم جلیلی، عبدالرحمن فرامرزی مدیر روزنامه کیهان و نماینده نطق لارستان برای این کار در نظر گرفته شد. دار و دسته مرتجعین منوچهر تیمور تاش را به جلسات خود دعوت کرده و از او خواستند تا این خواسته را با وساطت خواهرش ایران تیمورتاش با فرامرزی مطرح کند، گفتنی است ایران تیمورتاش از فعالان عرصه مطبوعات بود و علاوه بر دوستی های معمول ارباب جراید با یکدیگر، فرامرزی از وی حرف شنوی داشت. از همین روی هم یزدی ها از طریق وی ترفند خود را عملی کردند. فرامرزی با دو شرط این ماموریت را پذیرفت: اول اینکه ماجرا در جایی درز نکند؛ دیگر آنکه کلیه اسناد و مدارک موجود مبنی بر تقلب در انتخابات یزد را در اختیار او قرار دهند (میرحسینی، ۱۳۸۳، ص ۵۸).

در جلسه روز سه شنبه ۱۹ آبان پرونده انتخابات یزد مطرح شد که در این جلسه تنها اعتبارنامه نواب به تصویب رسید و رسیدگی به اعتبارنامه های فاضلی و هراتی به علت مخالفت فرامرزی به جلسه بعد موکول شد (مشروح مذاکرات مجلس، سال سوم، شماره ۷۹۷، ص ۲۲۶۸).

در جلسه روز پنجشنبه ۲۱ آبان ۱۳۲۶ کل وقت مجلس به اعتبارنامه هراتی و فاضلی اختصاص یافت. فرامرزی با استناد به اسناد و مدارک و کپی تلگرافات رد و بدل شده بین عوامل حزب دموکرات در یزد و تهران، نقش موسوی زاده و آرامش را در انتخابات بر ملا کرده و موارد متعددی از اعمال نفوذ و تقلب مسؤولین یزد را بیان نمود. در طول سخنرانی وی چندین بار به علت درگیری و همههمه یزدی هایی که به حمایت طرفین در لژ تماشاچیان حضور داشتند، جو مجلس متشنج شد. پس از پایان صحبت های فرامرزی شیخ الملک اورنگ و ارباب مهدی یزدی به دفاع از دو وکیل مزبور پرداختند (مشروح مذاکرات مجلس، سال سوم، شماره ۸۰۰، ص ۲۲۹۰).

جلیلی و دکتر طاهری از دارو دسته عبدالحسین نیک پور در مجلس قول گرفته بودند که به اعتبارنامه این دو

وکیل رای کیود بدهند، اما سرانجام اعتبارنامه فاضلی و هراتی با اکثریت آراء به تصویب رسید و بعدها معلوم شد عبدالحسین نیک پور و باند وی به اشاره احمد قوام به این دو نفر رای مثبت دادند. همچنین در میان اسنادی که یزدی ها به فرامرزی داده بودند یک فقره چک با مهر محمد هراتی و به مبلغ دومیلیون ریال بود که فرامرزی با آن یک خانه مجلل خرید (میرحسینی، ۱۳۸۳، ص ۶۰).

اما دکتر طاهری که از دوره چهارم به صورت پیوسته در مجلس حضور داشت به این سادگی حاضر به ترک سنگر خود نبود. در پایان این سال مرآت اسفندیاری نماینده سیرجان فوت کرد و بنا شد تا انتخابات سیرجان تجدید شود، پس در بهار سال ۱۳۲۷ دکتر طاهری به تکاپو افتاده و ضمن کاندیدا شدن از سیرجان حدود ۵۰ نفر از عواملش را با چند دستگاه کامیون، تعدادی اتومبیل و مقداری پول برای تبلیغات روانه سیرجان کرد، اما سرانجام این عدل اسفندیاری بود که با حمایت دو تن از نمایندگان کرمان یعنی مظفر بقایی و مهندس رضوی پیروز انتخابات شد و دکتر طاهری علی رغم تقلای فراوان از راهیابی به مجلس ۱۵ بازماند (حزب زحمتکشان ایران، ۱۳۵۸، ص ۴۳ تا ۴۴).

## منابع و مأخذ

### کتابها:

- ۱- ارسنجانی، نورالدین، دکتر ارسنجانی در آینه زمان، تهران، قطره، ۱۳۷۹.
- ۲- جامی، گذشته چراغ راه آینده است، ویرایش دوم، تهران، ققنوس، ۱۳۷۷.
- ۳- حزب زحمتکشان ملت ایران، شعبه کرمان، شناخت حقیقت، دکتر مظفر بقایی کرمانی در پیشگاه تاریخ، تهران، حزب زحمتکشان، ۱۳۵۹.
- ۴- شیفته، نصرالله، رجال بدون ماسک ایران، جلد دوم، تهران، تابان، ۱۳۳۱.
- ۵- طاهری، مهدی، مختصری از سرگذشت انتخابات مفتضح و ننگین دوره پانزدهم یزد، یزد، بی نا، ۱۳۲۶.
- ۶- گلشن، جلال، یزد دیروز، به اهتمام میرزا محمد کاظمینی، قم، صحیفه خرد، ۱۳۸۴.
- ۷- لوشانی، پرویز، خاطرات سیاسی فرخ، تهران، امیرکبیر، ۱۳۴۷.
- ۸- میرحسینی، محمدحسن، خاطرات سعیدی فیروزآبادی، یزد، دانشگاه یزد، ۱۳۸۳.
- ۹- میرزا صالح، غلامحسین، خاطرات سیاسی احمد آرامش، اصفهان، جی، ۱۳۶۹.

### مقالات:

- ۱- رسولی پور، مرتضی، مصاحبه با محمد عبدالله گرجی، مجله تاریخ معاصر ایران، سال ششم، شماره ۲۱ و ۲۲، بهار و تابستان ۱۳۸۱.

### روزنامه‌ها:

- ۱- دادار، سال اول، شماره ۱۳، مورخ ۱۱ / ۵ / ۱۳۲۶.
- ۲- روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران (مشروح مذاکرات مجلس)، سال سوم، شماره ۷۹۷، مورخ



۲۱ / ۸ / ۱۳۲۶.

۳- روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران (مشروح مذاکرات مجلس)، سال سوم، شماره ۷۹۸، مورخ

۲۳ / ۸ / ۱۳۲۶.

۴- روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران (مشروح مذاکرات مجلس)، سال سوم، شماره ۸۰۰، مورخ

۲۵ / ۸ / ۱۳۲۶.

۵- رهبر، سال چهارم، شماره ۸۵۹، مورخ ۲۱ / ۸ / ۱۳۲۵.

۶- رهبر یزد، سال اول، شماره ۱۷، مورخ ۱۰ / ۹ / ۱۳۲۵.

۷- کشور، سال سوم، شماره ۲۱۱، مورخ ۲۶ / ۱۱ / ۱۳۲۵.

#### اسناد:

- ۱- آرشیو سازمان اسناد ملی یزد، اسناد بخشداری خضرآباد، اسناد انتخابات دوره ۱۵، نامه شماره ۲۰۳.
- ۲- آرشیو مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، دوره ۱۵، ج ۸۲، ک ۱۳۲، پ ۱، دفتر صورت مجلس انتخابات دوره پانزدهم تقنینیه در شهرستان یزد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی





### مهر ۱۳۲۲ قمری / فروردین ۱۳۲۵ شمسی (اعتبار نامه)

ما امضاء کنندگان زیر اعضاء انجمن نظارت حوزه انتخابات یزد را به پیروی از دستور مجلس شورای ملی

تصدیق مینمائیم که **آقای محمد علی نوری** پسر **علی انصاری** که شغلش **محرک**

است و سنش **بیست و نه سال** است و ساکن **شهر یزد** است در انتخابات این حوزه انتخابیه

که در تاریخ **پنجم ماه فروردین ۱۳۲۵** در **مجلس شورای ملی** واقع شده با کثرت **بیست و نه نفر** از **شهر یزد** و **شهر مشهد**

رای دهندگان نمایندگی برای مجلس شورای ملی منتخب گردید و شهادت میدهم که انتخاب مشارالیه

موافق مقررات قانون انتخابات مورخه ۲۸ شوال سنه ۱۳۲۹ که بعضی از مواد آن در دوازدهم

شهر یورماه و پنجم و دوازدهم مهر ماه شمسی ۱۳۰۴ و قانون دهم مهر ماه ۱۳۱۳ و قانون ۲۷

مرداد ۱۳۲۲ اصلاح و به تصویب مجلس شورای ملی رسیده انجام یافته و تفصیل این انتخاب

در صورت مجلس انتخابات این حوزه مندرج است

پیام بهارستان / شماره ۱، س ۲۵ / تابستان ۱۳۸۸

این اعتبارنامه صحیح است

مهر و امضای فرمندانار و مهر فرمانداری

فرماندار یزد

مهر و امضاء اعضاء انجمن نظارت  
مجلس شورای ملی  
مجلس شورای استان یزد  
مجلس شورای شهرستان یزد  
مجلس شورای شهرستان مشهد  
مجلس شورای شهرستان...